



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۳۰

رفعت حسینی

آن روز

آن روز بهر او

روزی بزرگ بود!

)))

تنهایی همیشگیش ، بیشتر از روزهای پیش

از وی خبر گرفت.

)))

در کوچه ها که قدم می زد

ده مرد را بدون دست و پا بریده دید.

)))

و گدا های بی شمار

– کودک، میانه سال و پیر – شکسته –

ازو پیسه خواستند.

)))

در چنگ گربه یی

بی سر مسیچه دید.

)))

همسایه اش

دو نان خشک قرض خواست.

)))

یک پای او

در جوی پُر لجن کوچه فرو رفت.

)))

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

در آخرین دقائق آن روز

با خویشتن بگفت:

[امشب کتاب «معجزه . . .» را میخوانم]* !

...

از یاد برده بود که آنشب

نوبت بی برقیست

و شمع

دانهء هفتاد روپیه می باشد!!

.

از کتاب چاپ شدهء

قصرهای درختان

.

*منظور رومان « گدایان معجزه » از کنستانت ویرژیل گیورگیو میباشد.